



فرادر از آزادی

فراغت و فرهنگ عامه

آنکه تو گنورم و گتیرن حد آیا زیر فردی بدل
سی شود یعنی از مشکلات عده ملین است که در عده
حال و عمل راهه عیبان کالانقی می تکند، عصی و حشی
و هر زمان به مرگی نوشیدن و ملائی شخسته، برای جام طعن
قدیمه ای از زیده می طرف ۴۳ استعث که کل سرور و ده
ذنچ مفهوم مردروزی اوقات فراغت غیر بار نصلیها
معنای شسل گردیده امشق قرار گرفته است و ایمان
و رعایته است بدد منع گرفتار شدن بازمان شده
و همان طور که مذکور می کنم، تحت گستاخ مرآمدگذان
و خداوندان نظرمی کنم، کلاً از معرفت می باشد، اوقات فراغت

فرانشیز تخت نکنیل هر آمد است مله مردم چنین
می شنیدارند که اگر در در زدن حوده شتاب داشته باشدند
من توانده به خوش بخی و فراغت بال است بداند اما
خوب شنید راهی نداش خرد با همصرف کلاهی پر شتر
و پر طور تمریق طبقه است؟
جستجوی صدر مسرای خود خوش بخی
امتناع اشان که کفر فراغت فرمیست و فضائل در واقعی
و عین فرزو از این ملت و پنهان خود به مفرغگ
تو علی و رها کنون نفع کش گویی را می ایوان تو عی
گرسز از ازدی و اینجا با اضراب اسارت اسوار و دفعه های
لخته های دشوار داشته به بین مازگو اسارت ای
انتخاب اسلن هارا به گروز از ازادی من کنندۀ همیں
خاطر، دهد ۱۹۰ از امر خوب دهن جنحیل زمان و
پیرسی هستیزگی اندیشید چرا که در آن دهد
هر سرف کنندگان عزیز بول گلی گلشن و قلی فرمت
خرج کردن از اندیشند و اسافر منی برای فراغت
نکنند

قره هنگ مردم و فراسته تهدی
هر قریه هشت بوده ایلی از روی صیر فرستاده به ستوانه امده
پاید معلم در جستجوی رواجی جدیدی پاشد که
بود و دعوه مسازی بخانی سکونی که کار عقیق و
خوب نداشتند و دویش این که گذشتند ایند تهابی خوشید
قریه از زمانی که پریای فراموش کنیم گذاشتند و بهی
است برای خسق کردن زندگی شان و لات از ایام هم که
لین و زور های وجوده اندند خواست باز خوش و دهن
صبر نداشتند و شیفته تبریز و هر چهل فراغت و وقت که به
منانی رعایی از تنش ایلی از ایلات زندگی روزمر ماست
پریای همه ملکان را پایور بسته نداشی از ایجاد اسود گی

۱- استراتژی خود رفیع خستگی ناچاری کار و به صارت
 دیگر آنالیز جسمانی
 آ- تنفس و سر گیری، هزار تک رو و زیر گرد و درد
 ب- مخالف رازی و هسته ای رازی و ریزی و دلخواه
 گ- مردم خود شکرانی و آن پندتگی
 ل- اسپسک از رویگری های مهم فراست در جمهوری، جستجوی لذت شکرانی و خوش است

جه سنجوی فلسفی که ملت بخت و داری جانبه
آن باشد نگریشی که امیری در جوایز مدنی نسبت
به فراتر وجود دارد، مغایر باکسر از مسلموی است
که فراتر از مرفا ناجتن خیکان می‌باشد پیرامون
پولن اسلام تهاوار اسلام و نجفگان پیر از اندیشه‌های
حقد مجازی و پولی به سلطنت وقت اباد شناخت نگریشی
که بنی مشتری با فلسفه تپکوکی و لذت جویانه روم
پاستان که حسنه ۱۰۰۰ آزوی خرسال تعلیل پروردید و به
برگ و پنجه و پا و ناخنیه از این مبتدا

تتحول تکرش به فراغت
هر سخن پاستاری بونل و رورم کار تاحدی مهم شوده
من نند که برای اینکه زندگی سرورت داشت، سولانکر
برای آنها بتوانند صفت و بستر مختص این افراد باشند بود
لایار عکس هر قرآن و سطی، کن شنیده تقوای فداشی
مهم شمرده می شد و تغیر مردم سیار محدود و
منحصر به عبارات و اپیان های منتهی بود
هر دوره و نسلان، چون بدین شکر دوستی جایش را
و پل بران سرم و گرتوش علم را اداما برآوردند بازی از
فرد گردانی و آنوس با این حال تخت تأثیر پنهان است
سلام گری دوستی همراه با خالق کلیه بشری می شد

و ذکری است و جدوده ملاده را گرمی خواهی اگر
مس تازم همراهی جمی باشد هر فرد عده نش
یک چیز را از دخیل پردازی جایگزین آن دیده همروزی
هر سرگرمی خواهی سند اتفاق سرگرم شوند نه
آنچنانچه محدود که او خست یا کس سرگرم شدن نزیر
نه کمال معناجی شود این فریته تکه افراحتی
مس فرق داشت و از هر لکن مذکور از اینسانی
چهاری سرگرمی بستر سوده می گیرد سرگرم خواهی
می توشهند بنون هر گونه دل و درونی را تسلیم
منش اختر خردی تاکی نهایت دارد

۴۷

نمودارهای کشاورزی می‌شوند و توجه به تجهیزات ابزاری
نمودارهای اقتصادی می‌شوند و توجه به تجهیزات ابزاری
و تجهیزات اقتصادی می‌شوند.

بوب تحریری خود هنگ همراه می باشد

تودهای هر ایران
است آشیانی اسلی را نکل می بندد
مالحهای غلبه علی خوش چارچوب انتقامهای منشی
خویج خود رستاده بهر و مری ساعات کلری
سپاهی کشور های در جل توسعه می گرفتند
پدر حمت کشی و استقراری استاران رو
قطع پیوهای هدایی است و کلمه قلعه های
مورد علاوه و مستمن، شکرمه های بند شد
شارم زلزه مسعودی آمردمان ملاتی
و خود دیده نایمه، تکریل اوقات
پرچاری می گذارد فرد به فرموش و جانی
حصت و شراب ای اشطلوبان تسلیل بینام کند
لایوز گی های زمان کاریز جمه
اقبال و دلگی و چیز ایگی به زمل
فراغتی هر سرایی من گذاش این و را
جزیهای فراغت از اصل خلاصه
ذکر کل نهاده کنندی شده بود خود
سرگرمی فروکلسته من شود گرامیش
به استتریک نیو هر گرسی به مرور فرد
را بیسوی خرهنگ کسری گزی خواهی
من دهد که بازی دیزیگ هایی قره هنگ
سرگرمی خواهی آن لست که باعثت
می باشد اشتافتی که با آوجه همراه
استند
اگر بخت از قریب است و می بندد
فرموش کردن آن غلبه و مرلوشی

三

- تورکلاید، جن. جیوج لولات فراست و تبرهای مردم
بر عصیان [از کلینیکشن تئریتی]، ۱۹۸۷.

- ایل هیروود و هکلر، لولات فراست ترجمه محدث
اد باری، تورکلاید، ۱۹۸۶.

- چونان، تورک. نثارهای طبله ای مردم. ترجمه فرنگی
و تاشدیدی، ۱۹۸۷.

- استرالیا، دویزین ک. متدیهای بر نظر بعثتی
فرهنگ اسلامی بر جامیلی ایشتر. گلپایگان، ۱۹۷۹.

- دویزین، سوزن. حسنی فراست از مدت کاهنی پیش و
چالانهای اسلامی در جمدم آورده شده. فرنگی، وندگی.
تهران، ۱۹۷۵.

- اسخنیو، جل. مسلمانات فرنگی. جلد ۲ فرنگی محدث
بر عصیان، انتشار آفرینش، ۱۹۸۶.

- پاچکو خوشی و رکاری، فرنگی علم ترجمه حسن
پاچکو، انتشار طرح زیر، ۱۹۸۷.

- طائفی مرادی، حسن. بازیگران و فیلم های کشور از نشه
کنستومان. اخراج داده، ۱۹۸۷.

- پاچکو، فرانک. من طرفهای سرگرمی خوبی، پاچکو
پژوهشی

حیتی برای یک لحظه مشکل کارپی مدنظر نداشت. جاذبه
شuttle نیم بروی مردان، سرمهاید... بهبک ببول
بیشترین ستمکده لفک همراه باشد. تری است
که در مقایسه با از رفته به کاری مهد فراست برای
علمه نیم مثل میرا برای ایالی هر سرمهین عصب
لـ سرتیوار از ربان ایالان خواهد خورد ایالان فرد از هر گز
فراسن و سدهیمه نیزه روزه است

مصدقه نهاده بود که در فرقه افغان موضع پنهان طبقه
گرفتار شدند تا میتوانند باعث شده باشند برای آنها نجات
میبخواهند و سرگرمی طلاقی افرادی توانند از اینها
مانع باشند تا خاندان افغانستانی را کنار بگذارند.

تغییرات اقتصادی مدنظر طلبه نشیم این تلقیق را در آنچه بیان شده تأثیر می‌گذارد و این تأثیر را می‌توان با توجه کردن درایه‌های سهمیه‌واراند چشم پوشانید.

اجنبیان و طبقاتی سالیق و اداره اسلامخانه از فراغت و فریب
بروید، با گلخانه خادمه مستحبه نوشی که افزایش استنفاق به
فریقات مختلفه اوقاف فراغت خود را داشته باشد.

کوشش یکسانی پروری می‌نماید. همچنانچه در این قدرت کوچک ترین تغییرات نیز می‌توانند متفاوتی را به نظام فرجه تنگ می‌نمایند. این ایجاد شده کامپیوچر است. چون با ارزش‌های متأثر بر فرجه نگیری نماید، خود را باری و بروز نمی‌نماید. مثلاً از تغییرات همراه با این مقدار است. این تغییرات ممکن است در میان این دو مقدار اتفاق نماید.

من کندلاید پیدا کرد و هنگامی که چیست و چگونه با
نهو غرفت از طرفت پارتمانی می‌شد و دوچه بودندیها
صرف کالاهای مالی و قوه‌هی ندارد؟

استریلیتی فرنگی خود را مجموعه‌ای از پذیرایی ماخت بشر که در دسترس هیکان استسی دارد مثل فیلم، موسیقی، پوسترهای هنرمندانهای تلویزیونی و... این ایده را می‌توان در میان افرادی که با فرنگی آشنا نیستند ایجاد کرد.

لوشنگ می کند که طوراً کلی تاکنین فرستاده را
مایه فرستاده قوی چوایی پوش سنتی باهه فرستاده
تو بخواهی چوایی هستی اطلاع کرده و نظر مکتب
نقش رسالتها

لیاقت

فرانکو سفر هنگامی که هنگفتند بمحصول
مصنوع هنگاهست که نیت و دلایل را مایل داری با
نهادن می کند و نهادن می تواند این نیاز خالی است

لندنفرانگ تولیدی بر لندنی ۱۱۲ و ۱۱۳ با توجه
و ساختی جزو، پیش از اتصال باز و تجارتی نهاد
فرانگ و فرانک افغانستان طرح شد و هر صوت لرزه

فرهنگ‌های مدنیت‌بازاری‌سازی جنس داشته
می‌شود.
- طریق تکنولوژی‌های رسانه‌ای در
- مردمخواهی‌ها نزد موبایل اینترنت
- پیغام‌های فرهنگی، دیدگاه‌های فرهنگی که ایده

مکتبه ترکیه ای و تونسی که در مقدمه قوه حکومتی
دولن علیق تحریر یا اولترشای مردم علی است و
نهاده ای ای تحریر یا نسبت تدوین ای هر جلوه ای

پژوهی‌سازی برای نتایج ایجاد کننده در مقدمه معرفت
نمی‌گیرد بلکه فرنهنگ حواس‌نمایی همراه با
است پروپریسم فرنهنگ واکنش انسانی این‌جای است
بر این اساس این ایده را می‌توان این‌جا که این ایده

آن اعیانت کل مردم جهود است امی اکبر نگاه دارد که از مردم است چنانچه کشیده را تعریف مال فردی نگاه دارد و رونکر دنیل به آن میگویند: من برای نظریان خود را درست کنم.

مطروح شدن هر چیزی که با غایله می‌شود را بکاهد
حالات فرهنگی، مذهبی، پارادایشی، تمثیلی،
زندگی و قرائت از همان تابعیت‌گذاری استرش می‌داند که
هزارهای میله‌مشتمل توجه این پارادایشی
جود فراز و نوچه که برآورده آن، تمازیز می‌زند و هویت

ایجاد میکنند اما فرآیند همچنان که در عین حال اگر قدرت خود را بر این مرکز ملکیت کنند، آنها می‌شوند. جایی که با اینکه پروندهای انتقال ملکیت خود را ندارند، تبدیل به کوشش‌فرمگران خواهند شدند و بزرگترین

و رشته خوش و رهابی
منابع فرهنگی سرایان از ملکت پیش
قره هنگی که به متاورس پرورد و عوامل بین ایران شد
پادشاه این موضع - بنی گوری که قره هنگ عده
قرائمه شود در توجه اول و همی از دیور نفت

بل جای خود را به تبیت اشتر گزینیده ای زلزله
تغذیه ای تبلیغات صفت فومنگ محدود تجربه
فرمودنگ معرف گرفتاری مدنی تو شرکتی ای همراه ای
حکم و می خواسته ای از این میان گوش را در نظر
دلبریم حس بستگوش دوام هر چند که می خواهد خود خود
از ایست جمله می خواهد باز ای شود و میان نای

مردم است و قدری می کوشید فرستاده و چندینی
اکشن اگری هایی میان گیرش بوده اند نظر دارم
لیکن لعنه کلبرد همراه است در مطالعات فرهنگی